

تقویم تاریخ با ساعت هفت تپه

ثریا شهبابی



حکمتیست
۲۳۵

۲۶ نوامبر ۲۰۱۸ - ۵ آذر ۱۳۹۷
دوشنبه ها منتشر میشود

سراسری طبقه کارگر است. تحرک بخشی از طبقه کارگر است که حمایت بخش های دیگر طبقه و محرومین را، چون معلمان و دانشجویان و بازنشستگان و کشاورزان و رانندگان کامیون همه شهروندانی را که دست شان در دست مافیای قدرت و ثروت نیست، با خود دارد. طبقه ای به میدان آمده است که در مقابل تعرض افسار گسیخته به هستی، زندگی، کار، معیشت، حرمت و کرامت انسانی خودش و همه اعضا خانواده اش، سرسختانه مقاومت میکند. بخش های مختلف مردم از سراسر ایران، در حمایت از مقاومت فرزندان طبقه مولد اش، به این صف می پیوندند! خانواده ها، همسایه ها، همشهری ها، همکاران و همدردان، قدم به قدم اعلام همبستگی ملی میکنند. جامعه بدور گردان جنگجویان این مقاومت، و در راس آن گرد رهبران زندانی خود، امثال اسماعیل بخشی ها، حلقه زده است. ... ص ۳

میکند. از بیت امام، تا دفتر پرزیدنت "امید و اعتدال"، از کاخ سفید و دفتر ترامپ تا شیخ پشم الدین های نشسته بر چاه های نفت در امارات و عربستان و اردوغان ها و .. تا اسرائیل و دفتر آقای پهلوی، که همین چند هفته پیش همراه نخبگان "فرشگرد" ی به کمک بخشی از سپاه و بسیج و به امید مچ پپچاندن های بیشتر آقای ترامپ، قصد "یک سره" کردن حکومت در تهران را داشتند، منتظراند ببینند که هفت تپه ایران را به کجا می برد!

طبقه کارگر، ایران را به کجا میبرد! ایران، این روزها در اشغال طبقه کارگر معترض، مصمم، همبسته و آگاه است. طبقه ای که تنها چند خواست حداقلی اش، که عبارت است از معیشت (حقوق های معوقه) و مسئولیت پذیری مستقیم دولت (در شکل خواست مالکیت دولتی، و اعلام اتکا و اعتماد به نیروی متشکل خود (تلاش برای ایجاد شوراهای کارگری و مردمی) برای حسابرسی و اداره تولید و برای اداره مناطقی که مردم و طبیعت اش تماما "بی صاحب" رها شده است، تمام ایران را به تحرک درآورده است. این یک جنبش مقاومت و

قریب یک ماه است سراسر ایران به نحو برق آسایی، با پیشتازی اعتصاب و اعتراضات کارگران "نیشکر هفت تپه" و بدنبال آن کارگران "مجتمع فولاد اهواز"، در اشغال طبقه کارگر معترض، آگاه و متحدی در آمده است که حاضر و قادر به عقب نشینی از ابتدایی ترین خواست هایش، در مقابل مشتی انگل مفت خور و سودجو و نمایندگان شان در حکومت نیست، و هر روز دامنه مقاومت اش گسترده و گسترده تر میشود.

در ایران، این روزها عقربه تقویم تاریخ با ثانیه شمار هفت تپه، ساعت شمار فولاد اهواز، روز شمار و گاه شمارهای هپکو و عسلویه و معلمان، دانشجویان، کشاورزان و دهها انجمن صنفی کارگران ساختمانی و ... می چرخد. تاریخی که نوید بهار و فصول بی نظیری در تاریخ معاصر ایران و جهانی را میدهد. رسانه های قدرت های جهانی، دولت های اروپایی، پرو-اصلاحاتی های طرفدار جمهوری اسلامی و آمریکا و اسرائیل متخاصم با جمهوری اسلامی همه، ساعت هایشان را با این زمان شمار کوک

هفت تپه و فولاد

در کنار هم تا آزادی همه

حزب حکمتیست - خط رسمی

تاکنون تعدادی از کارگران هفت تپه و نمایندگانشان با تلاش مشترک کارگران هفت تپه و فولاد و حمایت بی دریغ مردم آزادیخواه شوش و بخشهایی از طبقه کارگر و مردم آزادیخواه آزاد شده اند. طبق آخرین اخبار منتشر از جانب سندیکای نیشکر هفت تپه، امروز سه نفر از دیگر از نمایندگان آنها، محمد خنیفر، مسلم آرمند و سید فاضل خنیفر آزاد شده اند و اما هنوز اسماعیل بخشی نماینده کارگران و سپیده قلیان فعال مدنی و از مدافعان کارگران هفت تپه در زندانند. کارگران هفت تپه امروز اعلام کرده اند که تا آزادی اسماعیل بخشی و سپیده قلیان هیچ مذاکره ای در کار نیست و به اعتراض و اعتصاب خود ادامه میدهند. همزمان با اعتراضات هفت تپه کارگران فولاد نیز در کل این مدت ضمن ادامه اعتراضات خود از هفت تپه ای ها به گرمی حمایت و خواهان آزادی همه دستگیر شده گان شده اند. بی تردید آزادی کارگران هفت تپه و از جمله سه نفر اخیر، عقب نشینی حاکمیت و همه ارگانهای سرکوبگر آنها و یک موفقیت کارگران هفت تپه، فولاد و همه حامیان آنها است. اما این تنها یک قدم است که به همت تلاش و هوشیاری کارگران هفت تپه و حمایتهای تا کنونی و از جمله تلاش صمیمانه کارگران فولاد و مردم شوش ممکن شده است. این تلاش مشترک و حمایتهای همه جانبه تا کنونی هیجان انگیز است. ... ص ۲

آزادی
برابری
حکومت کارگری

هفت تپه و فولاد ...
 اما و همچنانکه خود کارگران هفت تپه بیان کرده اند، هیچ مذاکره ای با روسای دولت و نمایندگانشان تا آزادی اسماعیل بخشی و سپیده قلیان نباید صورت بگیرد. این اولین شرط هر نوع مذاکره و نشستی با مقامات دولتی است. اما و علاوه بر این، کل پرونده های تا کنونی و ادعاهای پوچ حاکمیت علیه نمایندگان هفت تپه و حامیان آنها باید باطل شود. دولت و نمایندگان و از جمله دادگاههای آنها باید رسماً حکم برائت همه هفت تپه ای ها و حامیان آنها را اعلام کنند. هیچ ارگان و دستگاهی حق ندارد با اتکا به ادعاهای خود ساخته امروز و پرونده های سرهم بندی شده مراکز پلیسی و اطلاعاتی، در آینده هم به نمایندگان و سخنگویان هفت تپه و حامیان آنها از فولاد تا هر جای دیگر دست درازی کند. آزادی دستگیر شدگان تنها قدم اول است و هنوز همه مطالبات کارگران هفت تپه جای خود مانده است. این روزها و در دو سه هفته گذشته شاهد انواع توطئه و پاپوشدوی علیه کارگران هفت تپه و فولاد و خصوصاً نمایندگان آنها بودیم. از تلاش برای پرونده سازی امنیتی تا تلاش برای تبدیل اعتراض کارگران این مراکز به دستمایه دعوای درونی جناحهای جمهوری

اسلامی، همه و همه با آگاهی بالای کارگران هفت تپه یک به یک نقش بر آب شد. دستگاه سرکوب در مقابل صف متحد کارگران هفت تپه و فولاد و حمایت وسیع کارگران، معلمان و مردم آزادیخواه، ناتوان مانده است. جمهوری اسلامی مسئول فقر و محرومیتی است که به کارگران هفت تپه، فولاد، هپکو و... تحمیل شده است. اینکه این مراکز امروز سودبالایی میدهند یا نه، در مالکیت خصوصی اند یا دولتی، مشکل معیشت کارگران را حل نمیکند. طبقه کارگر ایران با شاغل و بیکار آن حق دارد و باید زندگی مرفه و انسانی داشته باشد و این ممکن است. پرداخت بیمه بیکاری مکفی و تامین زندگی شرافتمندانه برای همه وظیفه دولت و حاکمیت است.

حمایتهای تا کنونی از هفت تپه و فولاد ارزشمند است و باید قدر آن را دانست. اما تلاش برای تامین یک زندگی در شان انسان برای طبقه کارگر و اکثریت بزرگی از مردم ایران، احتیاج به یک صف متحد و همبسته و سازمانیافته دارد. این همبستگی و قدرت متحد امروز خود را باید تقویت کرد. اتحاد طبقه کارگر در دل این اعتراضات و خودآگاهی صفوف ما به عنوان یک طبقه واحد در مقابل حاکمین و سرمایه داران، باید سازمان پیدا کند و گسترده تر شود. همبستگی و اتحاد تا کنونی تنها گوشه ای از قدرت

عظیم طبقه کارگر ایران است. این غول عظیم امروز قد علم کرده است. اتحاد ارزشمند و شغف انگیز این دوره باید به کل طبقه ما با شاغل و بیکار آن، با خانواده کارگری و فرزندان آنها و با اقشار محروم جامعه در همه مراکز کار و زندگی سرایت کند. این وظیفه بزرگ بر دوش فعالین و رهبران هوشیار طبقه کارگر است. نقش این رفقا در مسیری که داریم حیاتی است.

زنده باد همبستگی و اتحاد همه جانبه طبقه کارگر حزب کمونیست کارگری حکمتیست(خط رسمی)
 اول آذر ۱۳۹۷
 ۲۲ نوامبر ۲۰۱۸

کارگران کمونیست! رفقا!

بی تردید تنها طبقه کارگر و کمونیسم اش می تواند اعلام و تضمین کند که خیزش انقلابی عظیمی که در جریان است، فقط برچیدن جمهوری اسلامی را در دستور ندارد، بلکه این خیزش و قیام و انقلاب آتی، تا در هم کوبیدن قطعی حکومت سرمایه و نظام سرمایه‌داری در ایران، ادامه خواهد داشت.

حذف این رژیم، و خلاصی از جمهوری اسلامی، اولین گام پیروزی و برداشتن مانعی بزرگ بر سر راه مبارزه ضد سرمایه داری و برای آزادی و برابری و حکومت کارگری است.

طبقه کارگر آگاه و کمونیسم اش، باید در صف مقدم و در رهبری و هدایت همه محرومان برای سرنوینی جمهوری اسلامی و تحقق رهایی و خوشبختی قرار گیرد.

ما همه کارگران کمونیست را به پیوستن به حزب کمونیستی خود، حزب حکمتیست (خط رسمی) فرا میخوانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست(خط رسمی)

hekmatist.com

مرکب بر جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

تقویم تاریخ ...

هر کس به نوعی، کمک رسانی و خیر رسانی میکند. کارگران با پیشینه افغانی ساکن ایران، حمایت کرده اند! هنرمندان جوان برایشان سرود ساخته اند! جامعه آنها را بعنوان سمبل اعتراض به فقر، سمبل مقاومت طبقه کارگر، سمبل ضدیت با استثمار، ستایش میکنند. جامعه محروم، قهرمانان خود را می ستاید. مردم ایران، حول یکی از پرجمعیت ترین، مولد ترین و در عین حال بی حقوق ترین و عدالتخواه ترین فرزندان و شهروندان، طبقه کارگر، متحد و متشکل میشود. در خارج از کشور حمایت اتحادیه معلمان گروه های سیاسی و اتحادیه های کارگری و .. جلب شده و حمایت سایر بخش ها در راه است. مقاومت ادامه دارد! اعتصاب و تظاهرات و برپایی جلسات با سخنرانی های کوتاه آژیتاتورهای مردمی و کارگری، زنان و مردان، جریان دارد. جای رهبر و کارگران دستگیر شده را دهها و دهها نفر جدید پرمیکنند. دولت و کارفرمای مفت خور، سر کیسه را شل می کنند و حقوق پرداخت نشده و بدهی یک ماه کارگران را میپردازند، اما موج عقب نمی نشینند. میگویند تا آزادی رهبران و دستگیر شدگان، مذاکره ای در کار نخواهد بود. کارگران پشت رهبران اش را خالی نمی کنند! در اهواز کارگر،

جامعه را خطاب قرار میدهد تا تبلیغات عفونت بار دستگاههای حاکم را خنثی کند و میگوید "همشهری به هوش باش؛ ما کارگریم نه اوباش؛ اهواز و شوش زیر پای کارگران فولاد و هفت تپه میلرزد!" کارگران بیدارند از استثمار بیزارند در فضا موج میزند. رسانه های جهانی، "انعکاس" یا "سانسور" رویدادهای کارگری ایران را در ادامه و متناسب با سیاست های خارجی "دوستانه" یا "دشمنانه" شان با حکومت ایران، منعکس میکنند. یکی چون "بی بی سی" خفقان میگیرد و دروغ تولید میکند و دیگری چون "صدای آمریکا" آن را منعکس میکند. این رویداد و حاکم شدن این کاراکتر به فضای سراپا به متجالب کشیده شده سیاسی در صحنه جهانی، باشکوه و امید بخش است. در ایران، این روزها، نه ملیت و قومیت و مذهب و "داخلی" و "خارجی" بودن، منشا حرکت و تقابل با حاکمیت، که درد مشترک و فریاد مشترکی است که از هفت تپه برخاسته و در فضای سراسر ایران پخش میشود. همه همدردان مشترک، با هر زبان و مذهب و پیشینه ملی و قومی و مذهبی، آن را متعلق به خود میدانند و در آن نفس تازه میکنند. این درد مشترک که از گلوی کارگر هفت تپه و فولاد اهواز شنیده میشود، با فریاد های "ما همه هفت تپه ای هستیم" و "اسماعیل

را گرفتند ما همه بخشی هستیم"، توسط مردم، معلمان، رانندگان کامیون، کشاورزان، شرکت واحد، دانشگاهها و هر آزادیخواه و انسان شریفی، مورد حمایت قرار میگیرد. مقاومت جریان دارد و در حال گسترش و سراسری شدن است. صاحب شرکت هفت تپه گفته میشود فراری شده، یا غیب شده، یا پنهان یا .. نامعلوم است! با این وجود دولت تماما در خدمت طبقه اش است. دستگیری رهبر کارگری و تعداد دیگری از کارگران زندانی و حتی خبرنگاری که تنها برای خبرنگاری در محل بوده است، ضرب و شتم کارگران توسط یگان ویژه در جریان است! کاری نتوانسته اند، پیش ببرند جز شعله ور تر کردن آتش خشم برحق شهروندان در سراسر ایران. مقاومت طبقه کارگر در مقابل فقر و بیکاری و تباهی و فساد و گندیدگی نظام و مسئولینی که کمترین بویی از انسانیت نبرده اند، نمی تواند یک روز و یک لحظه در یک نقطه متوقف شود. این جنگ، جز پیشروی در سراسر ایران، پیشروی نقشه مندی که همه مردم را در اشکال و سطوح مختلف متشکل میکند و متحد نگاه میدارد، نقشه ای که فاز های پیشروی را تعریف میکند، طرفندهای دشمن را خنثی میکند، اگر آگاهانه عقب بنشیند اما تسلیم نمی شود، چاره ای ندارد. این مقاومت که به اعتراف

خودشان، برای حاکمیت به یک "فاجعه ملی" تبدیل شده است و میرود که گسترده تر شود، عملاً بیرق تعیین سرنوشت مرگ و زندگی نظام تا مغز استخوان گنبدیده حاکم، را در دست دارد. حکم و بیرق مرگ و زندگی نظام، از پس از آغاز مقاومت انقلابی طبقه کارگر ایران در مقابل فقر و تباهی که بر سرش خراب کرده اند، دیگر نه در دستان ترامپ و عربستان و دستجات حاضر به یراق قومی و ملی و مذهبی برای شرکت در جنگ های نیابتی و کودتاهای جناحی، که در دست بخشی از جامعه است که بیش از همه محق است که خود را نماینده نماد ملی، همبستگی ملی بدانند. طبقه کارگر، میرود که ایران را از آن خود، مطالبات انسانی و رفاهی و آزادیخواهانه و امنیت انقلابی خود کند و همراه خود، همه را آزاد کند. هم هفت تپه و هم سایر مراکز کارگری بیش از یک دهه است که برای مطالبات شان، حقوق های معوقه و به زیر بار پاسخ گویی و مسئولیت کشاندن دولت جریان داشته است. تحرک این یک ماه اما، از این و آن کارخانه فراتر، به یک "ماجرای ملی" تبدیل شده است. از سرمقاله روزنامه رسالت ۲۹ آبان، تحت عنوان "هفت تپه و ۹ نکته" بخوانید که میگوید:

"اعتراض کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه شوش حالا

وجهه ای نمادین به خود گرفته و هفت تپه به یک ماجرای ملی تبدیل شده است." و تعدادی از نکات اش، جالب توجه است. "سه. لیدرهای کارگران معتقدند که در روند واگذاری تخلف هایی صورت گرفته است، " پنج. در عین حال که معترضین معتقدند اعتراضشان کاملاً صنفی و کاری است، ولی به نظر می رسد شباهت های زیادی به جنبش های کارگری کمونیستی و چپ داشته باشند. این ماجرا در شعارها و حتی مدل کمپته های آنها نیز مشهود است. چیزی که شاید دستگاه های امنیتی را نگران کند. با این همه این ماجرا هم چیزی از مشکلاتی که برای مردم به وجود آمده است کم نمی کند." شش. بعد از بازداشت چند نفر از لیدرهای تحصن کنندگان ماجرا وارد فازهای جدید خود می شود. با این که دولت قول داده است که بدهی کارخانه را پرداخت خواهد کرد، معلوم نیست ادامه ماجرا به چه شکل خواهد بود. ... ←

زنده باد
اعتصاب
کارگری!

شریعتک

حزب حکمتیست (خارسم)

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

[@HekmatistXateRasmi](https://t.me/HekmatistXateRasmi)

تلاش با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

سر، تفرقه و شکاف در صوف مردم به بهانه جنسیتی و مذهب و نژاد و پیشینه ملی و قومی و ... را تعمیق میکند، تا گورکن اش هرگز طعم آگاهی را نچشد و لولوی خفته را بیدار نکند!

ایران روزهای تاریخی و سرنوشت سازی در پیش دارد!

طبقه کارگر آگاه است و نمی توان آن را کشت! تا نظام شما پابرجاست این عدالتخواهی هم پابرجاست!

به این دلیل است که نظام تان آزادی عقیده و بیان را قیچی، حق اعتصاب و تشکل و اجتماعات را ممنوع، احکام اعدام به جرم "امنیت نظام" و توهین به مقدسات و .. را بالای

ملی! سوسیالیسم و کمونیسم، نه گرایشی بیرون طبقه که خود اعتراض طبقه کارگری است که حق اش را می شناسد و در جدال اش با طبقه مفت خور، مرفه، استثمار گر، چیزی برای از دست دادن ندارد جز زنجیر هایش. این نظام شما است، که پادشاهی باشد یا اسلامی، فقط و فقط بر شانه کارگر ارزان و خاموش دیروز، و کارگر مفت و پرصداى امروز، پابرجاست. اعتراض کارگر برای دریافت طلب اش، حقوق معوقه اش، برای معیشت اش، برای بیگاری ندادن، برای حرمت و کرامت انسانی اش، با نظام شما ناخوانا است. مارکس و کمونیسم و هفت تپه و اسماعیل بخشی در این میان بی گناه است. مشکل نظام است! اسلامی یا پادشاهی! مشکل نظامی است که هر نوع عدالتخواهی در آن سوسیالیستی است! لولوی سوسیالیسم و کمونیسم، را سرمایه با متولد کردن گورکن اش، کارگر، متولد کرده است. واقعیات امروز ایران، بیش از هر تئوری و فلسفه و تاریخی، حقایق را باز بر فرق پروکاتورهاى ضد کمونیستی در پوزیسیون و اپوزیسیون می کوبد که: سوسیالیسم آرمان

میشود. اما تلاش هایش: یک: چرا مقامات امنیتی سریع نمی شتابند و آژیر خطری که روزنامه رسالت به صدا در میآورد از طرف مقامات سرکوب به اندازه کافی پاسخ نمی گیرند؟! چرا در مقابل این خواست و تحرک صنفی، کل نظام با پرچم "کمونیسم ستیزی" تاریخی بورژوازی ایران، با عمامه و تاج، به جنگ آن نمی رود؟! دو: آرزوی این که این ماجرا به زودی تمام میشود، اما چهارچرخ نظام همچنان در باطلاق فساد و گندیدگی و نفرت، در گل نشسته است، راه نجاتی داشته باشد!

جناب آقای وفایی! آرزوی به زودی تمام شدن "ماجرای ملی" را، ممکن است مسولان نظام، با دستگیری و زندان و سرکوب و یگان ویژه و ... تمرین کنند که در حال تمرین هستند! اما این تنها و تنها فازی از سیل خانمان برانداز بعدی شما و نظام تان خواهد بود. برخی دوستان تان فی الحال تلاش کرده اند که "آینده شان" را به آینده این "ماجرای ملی" گره زنند و با کیف پول هایشان "وطن" ای که برای خدمت به آن فربه شده بودند، را تماما، "به امان خدا" رها کردند! اما جایگاه مارکس و کمونیسم در این "ماجرای

تقویم تاریخ ...

"نه. ماجرای هفت تپه به زودی تمام خواهد شد. اگر از این اتفاق تجربه نگیریم و رویکردها را اصلاح نکنیم ممکن به مشکلات لاینحلی برای کشور تبدیل شوند."

سرمقاله نویس روزنامه رسالت، صادق وفایی، حقایقی را میگوید در چند نکته، و تلاش هایی هم در چند جهت برای دور زدن یا حذف آن حقیقت! حقایقی که به آن اعتراف میکنند این است که:

یک: اعتراض برحق هزاران کارگر هفت تپه، به یک تحرک ملی تبدیل شده است و هرروز بر دامنه اش افزوده میشود. دو: طبقه کارگر توسط نمایندگان، رهبران و آژیتاتورها و شخصت های خود، از درون و با مکانیسم های خود، سخن میگوید و رهبری میشود. علیرغم میل شان هنوز نتوانسته اند و نمی توانند از زیر تخت خواب رهبر آن عکس دونالد ترامپ و از جیب خالی اش پول عربستان جاسازی و کشف کنند!

سه: این حرکت کاملاً صنفی است اما از منظر ایشان رنگ چپ، جنبش های کارگری و کمونیستی دارد و به شکل آن متشکل

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!